

عنوان مقاله:

بررسی و تحلیل قابلیت های نمایشی در ادبیات کهن منظوم و منثور فارسی

محل انتشار:

فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی شناسی متون (قندپارسی سابق)، دوره 4، شماره 10 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

حمزه محمدی ده چشمه - دانشگاه کاشان

شیمای کرباسی - دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

خلاصه مقاله:

ادبیات ایران یکی از شاخصه های تمدن دیرپای ایران است که دربردارنده آداب و رسوم و هنر این سرزمین است. نمایش نیز گونه ای ادبی است که از دیرباز در فرهنگ این سرزمین مطرح بوده و در قالب سوگ نامه، سوزنامه، رقص های ستایش آمیز، پتوازگویی، شبیه خوانی و تعزیه و موارد دیگر برجای مانده است. در ادبیات فارسی کهن نمی توان بخش مستقلی را به عنوان ادبیات نمایشی در نظر گرفت ولی از آن جا که ادبیات کهن فارسی و هنر سرچشمه های واحدی دارند، می توان گفت نوشته های ادیبان هنرمند ایرانی نشان از انس آن ها با هنر نمایش داشته و ادبیات نمایشی نیز از دیرباز همگام با هنرهای دیگر چون موسیقی و نقاشی در کنار ادبیات رشد کرده است. ادب فارسی تصویرساز و معناآفرین است و مخاطب را بر آن می دارد که برای دریافت بهتر متن در ذهن خود به تصویرسازی بپردازد و از این جا است که یک تعامل هنرمندانه میان نویسنده و خواننده شکل می گیرد و به وسیله کنش خواندن و اجرای آن ها، قابلیت نمایشی آثار جلوه گر می شود. بی تردید ادبیات کهن بستری برای «نمایش گونه ها» است که در بسیاری آثار مانند آثار نظامی، عطار، مولوی، فردوسی، بیهقی، عوفی، طسوجی و ... قابل مشاهده است. از آن جا که نمایش به منزله رسانه جهانی است و یکی از بهترین راه های معرفی ادبیات غنی ایران؛ پژوهش پیش رو می کوشد با روش توصیفی و تحلیلی، قابلیت های نمایشی این گونه آثار را که گمنام مانده و ابزاری توانمند برای نمایش تاریخ، هنر، فرهنگ و اندیشه های ایرانی است، مورد بررسی قرار داده و جایگاه این آثار را در حوزه ادبیات نمایشی بیان کند.

کلمات کلیدی:

ادبیات کهن فارسی، اقتباس، وجوه نمایشی، ادبیات نمایشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1235717>

